



The Role of Scholars and Political Elites in the Formation of the National Relics Society

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Khademzadeh M.H. ^{*1} PhD,
Toolabi T.² PhD,
Kargari M.¹ MSc

How to cite this article

Khademzadeh M.H, Toolabi T, Kargari M. The Role of Scholars and Political Elites in the Formation of the National Relics Society. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning, 2020;10(1):43-53.

¹School of Architecture, University College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

²History Department, Literature & Humanities Faculty, University of Lorestan, Khorramabad, Iran

*Correspondence

Address: School of Architecture, University College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran
Phone: +98 (21)66972076
Fax: +98 (21) 66972083
khademzade@ut.ac.ir

Article History

Received: October 31, 2019
Accepted: March 1, 2020
ePublished: June 20, 2020

ABSTRACT

By the middle of the Qajar period, the discursive sphere in Iran gradually affected by a kind of modern awareness and a need for national identity. Indeed, the rise of nationalism as a modern idea provided the context for attention to cultural heritage. It was after the Constitutional Revolution (1906 AD) and with the opening of the National Assembly that policy-making and institutionalization began. It was in line with this institutionalization that in the last years of the Qajar period, a group of political elites founded an association called the National Relics Society (NRS). This society has undertaken a variety of activities aimed at identifying and celebrating cultural heritage, such as holding lectures, identifying and restoring historic buildings, and erecting monuments. The present study aims to examine the cultural-historical context within which the NRS was established. It explores that what groups and in what manner contributed to the emergence of the NRS? To answer these questions, it has been organized by historical method and is based on the analysis of the content of first-hand sources. The findings provide us with the efforts of three groups: intellectuals, political elites and orientalist in the plan of necessity, objectification, and the continuation of the NRS. The results show that the ideas of the intellectuals, which were mostly reflected in the periodicals, provided the basis for the idea of the NRS. In addition, political activists became a practical arm for the idea, and eventually the Orientalists, by expressing their views, played a role in perpetuating and enriching its activities.

Keywords National Relics Society; Historical Relics; Architectural Heritage; Contemporary Architecture

CITATION LINKS

[1] Recultivating "good taste": The early ... [2] An introduction to research in the ... [3] Historical ... [4] Doing case study ... [5] A history of modern ... [6] The emergence ... [7] Nation-building project in the first Pahlavi ... [8] Discourses of ... [9] Narrative identity in the works of Hedayat ... [10] The record of the National Works Association ... [11] Patrolling the ancient monuments in the ... [12] First Pahlavi era ... [13] History of contemporary ... [14] dictionary.cambridge ... [15] The ideology of the Iranian constitutional ... [16] History of Iranian ... [17] Yahya's ... [18] The cultivation of ... [19] A political ... [20] In: National Relics ... [21] ANJOMAN-E ĀTĀR-E ... [22] In: National Relics ... [23] Invitation to participate ... [24] Statutes and ... [25] Mohammad Amin Riahi's ... [26] Civil ... [27] Kamal al-Dawlah's writings ... [28] Mirza Malkam Khan ... [29] Basic and urgent ... [30] Characteristics ... [31] Kasra spring ... [32] Tips and ... [33] Social ... [34] Revolution and ... [35] Observations and ... [36] The life of ... [37] The origins and context ... [38] Isfahan ... [39] Architectural and industrial ... [40] Soltanieh and its ... [41] Nationality and national ... [42] A brief list of Iranian monuments and ... [43] Contemporary history ... [44] Ferdowsi ... [45] www.vocabulary ... [46] The palgrave handbook ... [47] The making of modern ... [48] Triumphs and travails of authoritarian modernization in ... [49] Culture and cultural politics ... [50] Iran between two ... [51] A memoir of ... [52] Getting acquainted with the history of the legislative assemblies in ... [53] jadidonline ... [54] Cultural revival during the Pahlavi flourishing ... [55] Annals of contemporary ... [56] Holding a meeting of the National Relics ... [57] A request for construction of Ferdowsi ... [58] Mirza Mohammad Ali Khan Foroughi conference: Prime minister and president of national ... [59] National monuments ... [60] A few words about ... [61] Memoirs of lord Khosrow ... [62] Freer gallery of art and ... [63] About the construction of the Ferdowsi Tomb ... [64] Karim Taherzadeh Behzad ... [65] The emergence of Iranian nationalism: Race and the politics of ... [66] FERDOWSI, ABU'L-QĀSEM ... [67] In search of service and betrayal in history: Investigating the impact of nationalism on Iranian ... [68] Iranian industries in past ... [69] Iran national ... [70] Discovering two historical ...

نقش اندیشه‌وران و نخبگان سیاسی در شکل‌گیری انجمن آثار ملی

محمدحسین خادمزاده* PhD

دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

توران طولابی PhD

گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

معین کارگری MSc

دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

سپهر گفتمانی ایرانی از میانه دوره قاجاریه به تدریج به سوی رفت که ضرورت توجه به هویت ملی در کانون توجه قرار گرفت. به تعبیر دیگر، تکوین انگاره ناسیونالیسم در این دوره زمینه را برای توجه به میراث فرهنگی فراهم کرد. پس از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش.) و با گشایش مجلس شورای ملی بود که سیاست‌گذاری و نهادسازی در این عرصه آغاز شد. در راستای همین نهادسازی بود که در واپسین سال‌های دوره قاجاریه با گردهمایی شماری از نخبگان سیاسی انجمنی به نام انجمن آثار ملی (NRS) بنیان نهاده شد. این انجمن اقدامات متنوعی را با هدف شناسایی و بزرگداشت میراث فرهنگی مانند برپایی جلسه‌های سخنرانی، شناسایی و مرمت بناهای تاریخی و برپایی بناهای یادمانی به انجام رساند. هدف مطالعه حاضر، بررسی زمینه‌های برآمدن انجمن آثار ملی است. این مطالعه بر محور این پرسش شکل گرفته است که چه طیف‌هایی و به چه ترتیبی در برآمدن انجمن آثار ملی نقش داشتند؟ مطالعه حاضر با روش پژوهش تاریخی و با تکیه بر واکاوی محتوای منابع دست اول انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از تلاش سه طیف یعنی اندیشه‌وران، نخبگان سیاسی و شرق‌شناسان در طرح ضرورت، عینیت‌یافتن و استمرار انجمن آثار ملی است. حاصل مطالعه بیانگر آن است که انگاره‌های اندیشه‌وران که بیشتر در نشریه‌های وقت بازتاب می‌یافت، زمینه طرح اندیشه انجمن آثار ملی را فراهم کرد. وانگهی، کنش‌گران سیاسی بازوی عملی تحقق این اندیشه شدند و انجمن را تاسیس کردند و در نهایت، شرق‌شناسان نیز با طرح دیدگاه‌های خود، نقشی معین در استمرار و پربارشدن فعالیت‌های آن ایفا کردند.

کلیدواژه‌ها: انجمن آثار ملی، آثار تاریخی، میراث معماری، معماری معاصر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱

*نویسنده مسئول: khademzade@ut.ac.ir

مقدمه

ضرورت تکوین هویت ملی بر محور تاریخ یکی از جلوه‌های بارز گفتمانی بود که در دوره پهلوی اول وجه مسلطی به خود گرفت. طرح بایستگی بازخوانی ملی‌گرایانه و نوینی از تاریخ ایران اگرچه از میانه‌های دوره قاجاریه و با روشنفکرانی نامدار مانند آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی بروز یافت اما از دوره مشروطه به صورت جدی‌تری مطرح شد و در نهایت در دوره رضاشاه وجهی عینی به خود گرفت. از طرف دیگر، پس از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش.) و با شکل‌گیری مجلس شورای ملی به مثابه نهاد قانون‌گذاری بود که سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ شکل جدی‌تری یافت و با ایجاد نهادهای فرهنگی به تحقق پیوست. به عبارت دیگر، برپایی نهادهای

فرهنگی مانند وزارت معارف و اوقاف (۱۲۸۹ ش.) برون‌داد سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ بود. با اهمیت‌یافتن موضوع میراث فرهنگی، سیاست‌گذاری و نهادسازی در این عرصه هم آغاز شد. برآمدن انجمن آثار ملی (۱۳۰۱ ش.) برآیندی از گفتمان یادشده و برون‌دادی از نهادسازی در عرصه میراث فرهنگی بود. برپایی حدود چهل مجموعه آرامگاهی، بیش از شصت طرح مرمتی و انتشار ده‌ها جلد کتاب از جمله دستاوردهای انجمن بود^[1] که ضرورت پژوهش درباره این نهاد را پیش روی پژوهشگران قرار می‌دهد.

در مطالعه حاضر، پرسش اصلی این است که چه گروه‌هایی و به چه ترتیبی در برآمدن انجمن آثار ملی نقش داشتند؟ براساس پرسش یادشده، هدف از این مطالعه بررسی نقش طیف‌های مختلف در برآمدن و تثبیت این نهاد است. بر همین اساس، می‌توان ادعای مطالعه را چنین مطرح کرد که زمینه‌های برآمدن انجمن آثار ملی ریشه در اندیشه‌ها و کنش‌های دست کم سه طیف داشت. نخستین طیف، اندیشه‌وران مقطع انقلاب مشروطه تا برآمدن دولت پهلوی بودند که با طرح انگاره‌هایی نو، زمینه گفتمانی برآمدن انجمن را فراهم کردند. نخبگان سیاسی طیف دومی بودند که با تکاپوهای خود به این موضوع عینیت بخشیدند و به مثابه بازوی اجرایی عمل کردند. وانگهی، می‌توان شرق‌شناسان دعوت‌شده به ایران را طیف سومی دانست که با بیان دیدگاه‌های خود زمینه تثبیت انجمن را فراهم کردند. در مطالعه حاضر کوشش می‌شود که با تکیه بر متون دست اول تاریخی چون خاطرات، مطبوعات و اسناد منتشرشده سازمان اسناد ملی ایران این ادعا واکاوی و بررسی شود.

روش مطالعه و گردآوری داده‌ها

این مطالعه براساس ماهیت و روش، از نوع تاریخی است. مطالعه تاریخی با استفاده از شواهد معتبر انجام می‌شود و در پی تعیین ویژگی‌های عمومی و مشترک پدیده‌ها و حادثه‌های تاریخی و دلایل بروز آنها است^[2]. مطالعه تاریخی دارای چند نوع است. از آنجا که موضوع‌های طرح‌شده در این مطالعه پیرامون یک نهاد خاص است، می‌توان آن را یک نمونه پژوهی قلمداد کرد. نمونه پژوهی نوعی مطالعه تاریخی است که از طریق بررسی پرده‌مانه یک نمونه از یک پدیده، بر آن پرتو می‌افکند^[3]. زمینه در نمونه پژوهی اهمیت ویژه‌ای دارد و پدیده‌ای که درباره آن تحقیق می‌شود، باید در زمینه طبیعی آن مطالعه شود که محدود به فضا و زمان است^[4]. بر همین اساس، نمونه بررسی‌شده در مطالعه حاضر، انجمن آثار ملی و آنچه درباره این نمونه پژوهیده شده، زمینه‌های برآمدن آن است.

در مطالعه حاضر، برای گردآوری داده‌ها درباره انجمن آثار ملی به منابعی مانند کتاب‌هایی که انجمن درباره فعالیت‌های خود یا اعضای خود منتشر کرده است و اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران رجوع شده است. به‌طور کلی، بخش مربوط به اندیشه‌وران، عمدتاً با مراجعه به محتوای مجلات ایران‌شهر، کاوه، نامه فرهنگستان، تعلیم و تربیت و آینده به نگارش درآمده است. بخشی از داده‌های مربوط به نقش طیف نخبگان سیاسی، از منابع منتشرشده در دوره

بیانات فروغی در مورد آثار ملی ایران را در روند و نگاه به آثار پیشینیان و سیاست‌های ایجادشده در این دوره موثر دانسته است [12]. بر دو دسته اخیر می‌توان به پژوهش‌های زندگی‌نامه‌ای اشاره کرد که در آنها به چهره‌های مرتبط با برآمدن و تکوین انجمن هم پرداخته شده است. عاقلی در مطالعه خود با محوریت شرح حال چهره‌های سیاسی و نظامی، زوایایی از زندگی برخی نخبگان را گنجانده است که برخی از آنها سهم معینی در برآمدن انجمن داشته‌اند [13].

وجه تمایز این مطالعه با مطالعات پیشین را در دو محور می‌توان بررسی کرد. نخست، در پژوهش‌های یادشده به نقش طیف‌هایی مانند اندیشه‌وران، نخبگان سیاسی و شرق‌شناسان در شکل‌گیری انجمن کمتر توجه شده است. در مطالعه حاضر کوشش می‌شود نقش انگاره‌های اندیشه‌وران در تاسیس انجمن بررسی و نشان داده شود که چگونه انجمن یکی از بروزهای بیرونی اندیشه‌ای بود که در انتهای دوره قاجاریه شکل گرفت و در دوره پهلوی وجه عینی یافت و در قالب برنامه‌های دولت پهلوی جلوه‌گر شد. دوم، چنانکه گفته شد تاکنون تفسیرهای گوناگونی با محوریت مفهوم ناسیونالیسم از دلایل بنیان‌گذاری انجمن انجام شده است که در این مطالعه تلاش شده است تا نقش هر کدام از طیف‌های موثر در برآمدن و تکوین انجمن، تا جایی که ممکن است به دور از تفاسیر ایدئولوژیکی بررسی شود.

از انجمن‌های دوره مشروطه تا تاسیس انجمن آثار ملی

انجمن در لغت به معنی "سازمانی است که مردمانی با علایق مشترک به آن تعلق دارند" [14]. بر این اساس می‌توان گفت که سابقه تاسیس انجمن‌ها در ایران دست کم به دوره مشروطه می‌رسد. در آن زمانه، انجمن‌ها پیرو حرکت مشروطه‌خواهی و سیاسی‌شدن محیط شهرنشینی تشکیل می‌شدند. در دوره حیات مجلس اول، انجمن‌های گوناگون با انگیزه‌های متنوعی شکل گرفتند تا جایی که برخی از وجود ۷۰ تا ۱۵۰ انجمن در پایتخت سخن گفته‌اند [15].

در میان انجمن‌های دوره مشروطه، در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به دو دسته انجمن‌های سیاسی و انجمن‌های فرهنگی اشاره کرد. برخی از انجمن‌های سیاسی خود را مشروطه‌خواه می‌خواندند و داعیه مبارزه‌جویی و آزادی‌خواهی داشتند. برای مثال *ناظم‌الاسلام کرمانی* در سال ۱۲۸۳ ش. انجمن مخفی را شکل داد. وی در اولین جلسه انجمن یادشده از نابه‌سامانی‌های آن زمانه انتقاد و حاضران را به جنبش برای رهایی مردم از قید بندگی و بردگی ترغیب کرد [16]. اما انجمن‌های فرهنگی در پی اصلاحات فرهنگی بودند. این انجمن‌ها گاه خاستگاهی اجتماعی داشتند، مانند انجمن فرهنگ که گروهی از درس‌خواندگان جدید برپا کردند و مراسم‌های مشروطه‌خواهی "ترویج معارف، نشر علوم جدید و زبان‌های خارجی" بود [15] و گاه به دستور دولت یا زیر نظر دولت شکل می‌گرفتند، مانند انجمن معارف که در سال ۱۲۷۶ ش. تشکیل شد و جلساتی را به شکل هفتگی برگزار می‌کرد و "به انتظام کار معارف و توسعه آن" می‌پرداخت [17].

پهلوی (مانند گزارشات و خاطرات) گردآوری شده و بخش مربوط به شرق‌شناسان با رجوع به سخنرانی‌های آنان که انجمن منتشر کرده، به نگارش درآمده است.

پیشینه مطالعه

از آنجا که بحث اصلی این مطالعه پیرامون انجمن آثار ملی است، در پیشینه مطالعه، پژوهش‌هایی بررسی می‌شوند که به نوعی به نهاد یادشده اشاره کرده‌اند. این پژوهش‌ها را بر حسب موضوع می‌توان در دو دسته جای داد:

دسته نخست پژوهش‌هایی با موضوع تاریخ سیاسی/فرهنگی/اندیشه ایران معاصر هستند که در روایت خود به انجمن اشاره کرده‌اند. برای مثال *آبراهامیان* موضوع کتاب خود را دگرگونی‌های اساسی در ایران قرن بیستم معرفی و این فرضیه را طرح کرده است که در ایران همواره دولت آغازگر چنین دگرگونی‌هایی بوده است. در اثر همین مهم‌پنداشتن جایگاه دولت است که وی تاسیس سازمان‌های فرهنگی را به هرم سیاسی قدرت و مشخصاً رضاشاه نسبت داده و هدف از آن را القای آگاهی‌های ملی بیان کرده است که از قضا، به گفته او، یکی از این سازمان‌ها هم انجمن آثار ملی بوده است [5]. *اشرف* از نوع خاصی از ناسیونالیسم به نام "ناسیونالیسم دولتی مدرن" نام برده و تاریخ و زبان را دو منبع مهم شکل‌گیری این نوع از ناسیونالیسم در دوره پهلوی محسوب کرده و بر همین اساس، تاسیس انجمن را دنباله پایگاه تاریخی به شمار آورده است [6]. برخی بنیاد ایدئولوژیک پروژه ملت‌سازی را ناسیونالیسم دانسته‌اند و به‌اجرا درآمدن برنامه‌هایی مانند تاسیس انجمن آثار ملی را بر پایه "تلقی ایدئولوژیک از پروژه ملت‌سازی" تفسیر کرده‌اند [7]. وانگهی، این نگرش هم طرح شده است که دولت پهلوی انجمن را بنا نهاد تا با آن ناسیونالیسم منهای تاریخ اسلامی را تبلیغ کند و هدف از تاسیس انجمن، ساخت ایرانی جدید بود که شکوه آرمان‌شهر باستانی تصورشده را بازنمایی کند [8].

دسته دوم پژوهش‌هایی هستند با موضوع هنر یا مرمت یا معماری ایران معاصر که در آنها به انجمن هم اشاره شده است. مشروح‌ترین این پژوهش‌ها کتاب "کارنامه انجمن آثار ملی" است که در سال ۱۳۵۵ منتشر شده است. این کتاب در یک فصل به شرح تاسیس انجمن و در بقیه فصل‌ها به بناهایی پرداخته است که در طول حیات انجمن بر پا یا مرمت شده‌اند [10]. دیگر پژوهشی که می‌توان در این دسته جای داد کتاب "پاسداری از آثار باستان در عصر پهلوی" است که می‌شود آن را مصداق یک تاریخ‌نویسی رسمی به حساب آورد. شاهد مدعا آنکه کتاب آکنده از تمجید از دودمان پهلوی و اقدامات آن است. با این حال، در فصل دوم اطلاعات مفیدی درباره اقدامات در حوزه حفاظت از آثار باستانی در دوره پهلوی اول آمده است که براساس آن می‌توان دریافت که انجمن در برخی از این اقدامات نقش داشته است [11]. همچنین *کیانی* از معدود پژوهشگران تاریخ معماری دوره پهلوی است که درباره انجمن سخن گفته است. وی به نقش کسانی چون *محمدعلی فروغی* اشاره کرده و نوشته‌ها و

نقش اندیشه‌وران در برآمدن انجمن آثار ملی

مجموعه‌ای از رخدادها و تحول‌ها در ایران دوره قاجاریه، بخشی از اندیشه‌وران را به اندیشه ضرورت تعریف، بازخوانی و تکوین هویت ملی سوق داد[25]. بدین‌سان روایتی از هویت ایرانی تدوین شد و میان روشنفکران رواج یافت که به دنبال بازسازی هویت ایرانی بر مبنای ناسیونالیسم رومانتیک (دیدگاهی تخیلی و احساساتی ملت‌پرستانه) بود[6]. در روایت یادشده انگاره‌هایی وجود داشت که در اینجا سه انگاره یعنی بایستگی تربیت اجتماعی، اهمیت حفظ آثار تاریخی و ضرورت نکوداشت ناموران فرهنگی به‌عنوان انگاره‌های اثرگذار در برآمدن انجمن آثار ملی بررسی می‌شود.

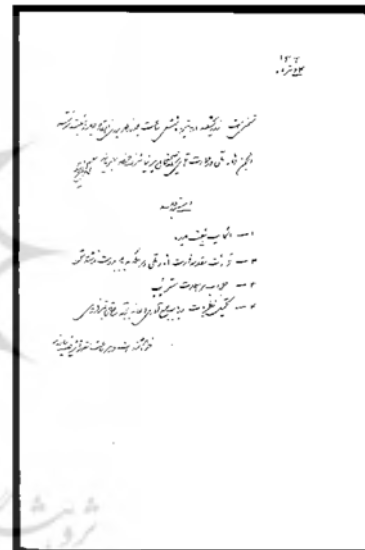
طرح مساله تربیت اجتماعی

اگر زمانی موضوع رساله‌های سیاسی بر حول محور شاه و نصیحت ملوک می‌چرخید، به‌تدریج و با برآمدن اندیشه‌های جدید، بخشی از نقد اندیشه‌وران متوجه جامعه و مشخصاً مساله تربیت آن شد[26]. پیشینه این موضوع دست کم به میانه‌های دوره قاجاریه و عمدتاً دوره حکومت ناصرالدین (حک. ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق) بازمی‌گردد. در این دوره روشنفکرانی مانند فتحعلی آخوندزاده و میرزا ملکم‌خان یکی از راه‌های بازیابی قدرت پیشین ایران را تربیت ملت بیان کردند و از ضرورت ایجاد کارخانه‌های انسانی برای تحقق چنین تربیتی سخن گفتند[27, 28].

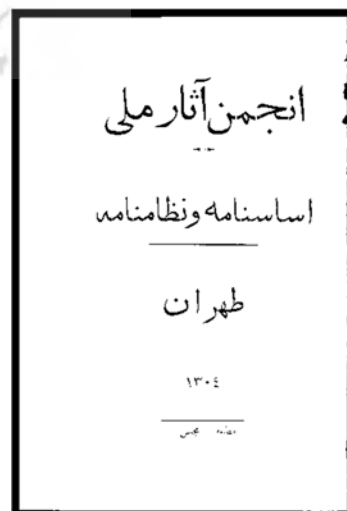
در آن برهه مراد روشنفکران از تربیت بیشتر ناظر بر مساله سوادآموزی بود، اما پس از انقلاب مشروطه، این موضوع جنبه‌های فزون‌تری یافت و از فساد اخلاق یا اخلاق فاسدشده مردم سخن به میان آمد. برای مثال در مجله کاوه، از اوضاع نابه‌سامان ایران انتقاد شد و بنای ایران از پای‌بست ویران، و عمارت ایران به چند دلیل، از جمله فساد فوق‌العاده اخلاق عمومی، به کلی در حال تلاشی و انهدام توصیف شد[29]. چندی بعد، برخی نویسندگان مجله ایرانشهر هم در یک موضع‌گیری مشابه، علت پریشانی این کشور را اخلاق فاسدشده مردم بیان کردند[30]. از نظر اندیشه‌وران یکی از مظاهر فساد اخلاق یا اخلاق فاسدشده مردم در آن برهه، بی‌توجهی به آثار تاریخی بود و شاهد این مدعا ایشان، آثار تاریخی ویران‌شده یا در معرض ویرانی بود. در سال ۱۳۰۱ و در زمانی که انجمن هنوز فعال نبود، یکی از نویسندگان مجله ایرانشهر از ویرانی آثار گذشته ابراز تاسف کرد و علت آن را هم ناآگاهی و تعصب مردم دانست[31]. فساد اخلاق صورت مساله بود، اما راهکار اندیشه‌وران در برابر آن چه بود؟ مجله کاوه راهکار مبارزه با فساد اخلاقی را تربیت اجباری مردم بیان کرد[32]. برخی نویسندگان مجله نامه فرنگستان هم از ضرورت انقلاب اخلاقی سخن گفتند و تربیت و سیر تکامل تدریجی را مقدمه انقلاب پنداشتند[33]. اما نقطه اوج پرداختن به این موضوع، مقاله "انقلاب و تربیت اجتماعی" مجله ایرانشهر بود. در این مقاله، تاسیس انجمن‌های علمی و ادبی برای نشر افکار جدید، از ضرورت‌های نشر و تعمیم تربیت عمومی و اجتماعی محسوب شد[34].

طبیعتاً شکل‌گیری انجمن آثار ملی می‌تواند در این محدوده گنجانده شود. اگرچه با بررسی سندها و مدرک‌های مرتبط روشن می‌شود که

برپایی انجمن‌ها پس از کودتای ۱۲۹۹ به مثابه رهگذری برای گردهمایی هم‌فکران سیاسی، فرهنگی و هنری ادامه یافت[18]. برای مثال علی‌اکبر سیاسی با همکاری چند تن انجمنی به نام انجمن ایران جوان را شکل داد. سیاسی در دیداری که با رضاخان داشت، از عقب‌افتادگی ایران و فاصله ایران با کشورهای اروپایی سخن گفت و آرزوی اعضای انجمن یادشده را از بین بردن این فاصله و ترقی و تعالی ایران بیان کرد[19]. تاسیس انجمن آثار ملی را می‌توان ادامه همین روند قلمداد کرد. اگرچه برخی از پژوهشگران متاخر از تاسیس انجمن در سال ۱۳۰۰ و یا ۱۳۰۴ سخن گفته‌اند، اما بیشتر روایت‌ها حاکی از تاسیس انجمن در سال ۱۳۰۱ است[10-12, 17, 18, 20, 21]. البته فارغ از آنکه انجمن در چه سالی تاسیس شده، به نظر می‌رسد که از سال ۱۳۰۴ شروع به فعالیت کرده است[22]. شاهد این مدعا سندی است که نشان می‌دهد در تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۰۴ برای برگزاری جلسه هیات موسسه دعوت‌نامه‌ای نگاشته شده است و سند دیگری حاکی از آن است که تاریخ چاپ اساس‌نامه و نظام‌نامه انجمن به سال ۱۳۰۴ بازمی‌گردد (شکل‌های ۱ و ۲) [23, 24].



شکل ۱) دعوت‌نامه جلسه هیات موسسه انجمن آثار ملی ۲۴ تیر ۱۳۰۴ [22]



شکل ۲) اساس‌نامه و نظام‌نامه انجمن آثار ملی [23]

دوره‌های مختلف گذشته، نشانه‌ای از تمدن و عظمت تاریخی ایران قلمداد شد^[42]. به عبارت دیگر، انجمن بار دیگر این نکته را یادآور شد که آثار تاریخی اهمیت دارند، به این دلیل که سندی برای اثبات وجود تاریخ پرشکوه ایران باستان به حساب می‌آیند و از همین رو باید حفظ شوند.

طرح ضرورت نکوداشت ناموران فرهنگی

یکی از راهکارهایی که اندیشه‌وران برای تعریف هویت ملی برگزیدند، بیرون‌کشیدن اسطوره‌های ملت از دل تاریخ و ستایش از آنها بود. به عبارت دیگر، بزرگداشت ناموران فرهنگی و متوجه‌کردن مردم ایران به بزرگی مقام ایشان، یکی از ضرورت‌های استحکام مبانی ملیت ایران و اصلاح اوضاع اجتماعی به حساب می‌آمد^[43]. اندیشه‌وران درصدد بودند که این آگاهی را به مردم منتقل کنند که ایران تاریخی قابل احترام دارد. آنها برای این آگاهی‌بخشی، موضوعات مختلفی مانند نکوداشت ناموران فرهنگی را طرح می‌کردند. برای مثال در یکی از مقالات ایرانشهر، نویسنده بزرگان تاریخی را مایه سربلندی و افتخار ملت خواند و سپس از ضرورت آشنایی نوباوگان ایرانی با آنان سخن به میان آورد. وی این کار را برای دمیدن "روح تازه به کالبد افسرده مردم" و "بیدارشدن روح ملیت و شهامت در قلوب فرزندان ایران" لازم دانست^[31]. در مجله ارمغان هم فردوسی، نظامی و سعدی از جمله بزرگانی خوانده شدند که "ایران به نام و آثار آنان زنده است" و بدین‌سان "تعمیر دخمه بزرگان سخن و اساتید باستان" به‌عنوان آرزو و راه سعادت تعبیر شد^[44].

نقش نخبگان سیاسی در برآمدن انجمن آثار ملی

در این مطالعه بین مفهوم اندیشه‌وران و نخبگان سیاسی تمایز نهاده شده است. اندیشه‌ور در لغت به معنی "فردی است پراندش (به‌ویژه در حیطه علوم انسانی) که با مطالعاتی طولانی به استادی در یک یا چند حیطه رسیده است"^[45]. همچنین نخبگان سیاسی در دستورنامه نخبگان سیاسی "به‌عنوان افراد و گروه‌های کوچک نسبتاً به هم پیوسته و پایدار با قدرت بی‌تناسب" تعریف شده‌اند که "می‌توانند بر سرانجام سیاسی ملی و فراملی متداوماً تأثیر بگذارند"^[46]. بنابراین، طبق تعریف‌های ارایه‌شده، تفاوت بارز اندیشه‌ور و نخبه سیاسی در توانایی اعمال قدرت یا نفوذ است، توانایی که نخبه سیاسی دارد، ولی اندیشه‌ور لزوماً از آن بهره‌مند نیست.

در ایران و در کنار اندیشه‌وران تجددگرایی که با طرح دیدگاه‌های خود زمینه را برای برآمدن دولت پهلوی فراهم کردند، طیفی از نخبگان سیاسی پاسدار چنین دیدگاه‌هایی شدند و در پی اقدام برای تحقق آن دیدگاه‌ها برآمدند. این طیف که به نام‌هایی چون "نخبگان ناسیونالیست" یا "دولت‌مردان روشنفکر" خوانده شده‌اند، عمدتاً پس از برآمدن دولت پهلوی، در پس پرده برنامه‌های نوسازی قرار گرفتند^[47-49]. "دولت‌مردان روشنفکر" معتقد بودند که بهترین راه ممکن برای بهبود وضع ایرانیان "طرح‌ریزی و به‌کار بستن تدابیر عمومی پیش‌رونده است" که این کار جز با قدرت تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری خودشان ممکن نبود^[48].

به عبارت دیگر نخبگان سیاسی بازوی تعیین‌بخش انگاره‌های

موسسان انجمن صراحتاً از مقوله‌ای چون تربیت اجتماعی سخن نگفته‌اند، اما آنچه درباره ضرورت پرورش "حس و ذوق مردم" بیان کرده‌اند، می‌تواند مصداقی از همان تربیت اجتماعی و نمودی از این نگرش باشد. اگر سخن فروغی (از موسسان انجمن) مبنی بر وابسته‌بودن حفظ آثار تاریخی به حس و ذوق مردم و تأکید او بر وظیفه انجمن برای بیدارکردن این حس و ذوق ملاک قرار داده شود، می‌توان به نوعی بر این ادعا صحنه گذاشت^[35]. مهمتر آنکه موضوع پرورش حس و ذوق به صراحت در اساس‌نامه انجمن هم بازتاب یافت، جایی که یکی از اهداف آن "پرورش علاقه عامه به آثار قدیمه علمی و صنعتی ایران" بیان شد^[24].

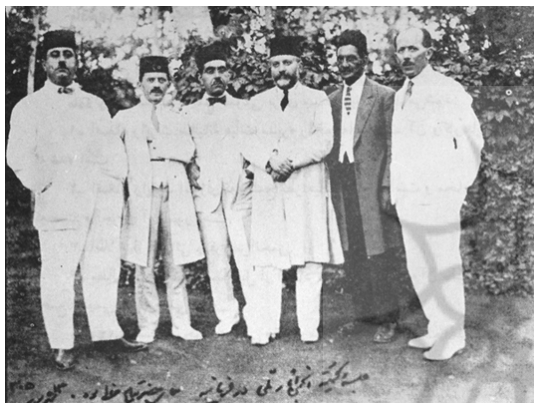
طرح اهمیت حفظ آثار تاریخی

پیشینه طرح موضوع اهمیت حفظ آثار تاریخی دست کم به میانه‌های دوره قاجاریه می‌رسد. برای مثال میرزا نصرالله ملک‌المتکلمین از مبارزان معروف مشروطه‌خواه، در نطقی در ۱۲۷۹ ش. در مسجد شاه اصفهان علیه تخریب قبور دوره صفوی به دست ظل‌السلطان (حاکم وقت اصفهان) سخن راند و آثار مذکور را آثار ملی دانست^[36]. این یکی از نخستین بارهایی بود که سخن از آثار ملی آورده می‌شد^[37].

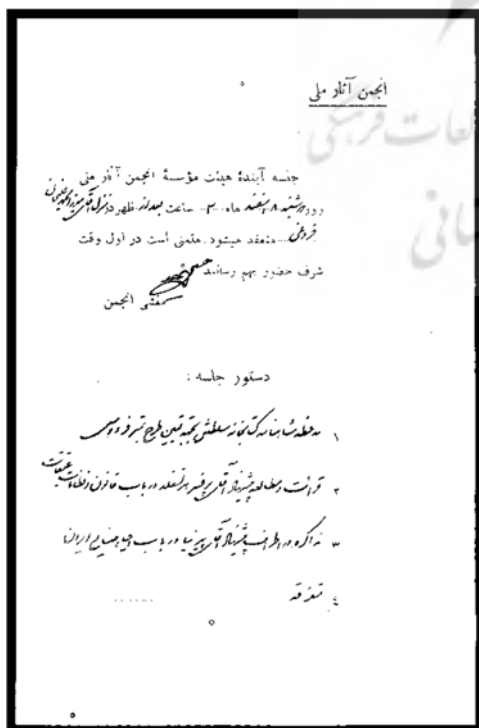
در آستانه برآمدن پهلوی اول دیگر بار توجه اندیشه‌وران به وضعیت نابه‌سامان بناهای تاریخی جلب شد و انتقادات از آن وضعیت ادامه یافت. محمود افشار (از اندیشه‌وران آن زمانه) در اثری منظوم از ویرانی کعبه زرتشت در فارس که به گمان وی زمانی قبله ایران بود، یاد کرد و از به حال خود رهاشدن بنایی مانند مقبره کوروش خبر داد^[38]. کریم طاهرزاده (از معماران تحصیل‌کرده آن زمانه) وضعیت خرابه‌های کاخ استخر را "رقت‌انگیز و تهوع‌آور" توصیف و از حکومت وقت بابت بی‌مبالاتی در حفظ بقایای بنای یادشده انتقاد کرد^[39]. عباس اقبال آشتیانی هم ضمن ستایش "آثار هنری و استادی معماران و کاشی‌کاران و گچ‌پزان ماهر ایرانی" در بنای گنبد سلطانی، از ویرانی آن بنا ابراز تأسف کرد^[40]. اندیشه‌وران به دنبال راهکاری برای حفظ آثار هم بودند و از ضرورت فداکاری دولت و ملت برای از بین نرفتن آثار باقی‌مانده سخن می‌گفتند^[41]. همچنین می‌کوشیدند علت اهمیت آثار تاریخی را توضیح دهند. برخی از اهمیت بناهای تاریخی در آینده ایران و قابلیت بالقوه این آثار برای تبدیل شدن به یکی از "منابع مهم ثروت و عایدات ملی" سخن می‌گفتند و برخی دیگر معتقد بودند که بناهای به‌جامانده از دوران پیش از اسلام شاهی برای "عظمت و رونق آن تمدن دیرین" هستند^[39, 41].

طرح موضوعاتی از این دست در مجلات یادشده، در اساس‌نامه انجمن هم منعکس شد. در ماده یک اساس‌نامه، "سعی در نگاهداری صنایع مستظرفه و صنایع دستی" و "حفظ سبک و شیوه قدیم آنها" از نیت‌های انجمن برشمرده و در ماده ۹ "ثبت و طبقه‌بندی آثاری که حفظ آنها به‌عنوان آثار ملی لازم است" یکی از هدف‌های انجمن بیان شد^[24]. همچنین در مقدمه نخستین رساله انجمن به تاریخ دیرین ایران اشاره و یادگارهای به‌جامانده از

محمدعلی فروغی نسبت داده‌اند[21]. برخی دیگر با استناد به اینکه جلسه‌ای از جلسه‌های انجمن در خانه تیمورتاش برگزار شده است، نقش او را در این زمینه پررنگ دانسته‌اند[18]، اما برگزاری جلسه در خانه تیمورتاش نمی‌تواند دلیل متقنی برای پیشگامی او باشد، زیرا در آن ایام، برگزاری جلسات انجمن در خانه اعضا امری معمول بوده است. بررسی بخشی از اسناد، حکایت از برگزاری برخی جلسات در منزل پیرنیا و یا فروغی دارند[23، 56]. با این حال در یکی از یادداشت‌های مجله ارمغان در سال ۱۳۰۴ و در یکی از رساله‌های منتشرشده انجمن در سال ۱۳۱۳، فروغی رییس انجمن آثار ملی خوانده شده است[57، 58]. به هر روی، فارغ از آنکه اندیشه تاسیس انجمن نخستین‌بار در ذهن چه کسی جوانه زده، آنچه اهمیت دارد گردهمایی نخبگان سیاسی برای تحقق اهداف خود است. شکل ۴ مربوط به دستور جلسه انجمن آثار ملی برگزارشده در منزل فروغی است[56].



شکل ۳) عکس متعلق به جلسه کمیته انجمن آثار ملی در فرمانیه در ۱۳۰۵[53]



شکل ۴) دستور جلسه انجمن آثار ملی برگزارشده در منزل فروغی[56]

اندیشه‌وران شدند و در نهایت یکی از عواملی بودند که زمینه را برای الغای سلطنت قاجاریه فراهم کردند. در این میان حزب تجدد که در مجلس پنجم اکثریت داشت، نقش مهمی ایفا کرد[1]. این حزب از اصلاح‌طلبان جوان تحصیل‌کرده غرب تشکیل شده بود و چهره‌هایی مانند علی‌اکبر داور، عبدالحسین تیمورتاش و سیدمحمد تدین سازمان‌دهندگان اصلی آن بودند. در نهایت در سال ۱۳۰۴ حزب تجدد طرحی مبنی بر خلع قاجاریه از سلطنت و واگذاری دولت به رضاخان پهلوی را پیشنهاد کرد که با اکثریت آرا تصویب شد[50]. اندکی پس از به قدرت رسیدن رضاشاه، ایران نو جایگزین تجدد شد، اما اهداف ایران نو مانند تجدد باقی ماند[1].

نخبگان سیاسی؛ از حزب تجدد تا انجمن آثار ملی

چنانکه گفته شد حزب تجدد از گروه‌های تاثیرگذار در رضاشاه‌شدن رضاخان بود، اما این تنها هدف حزب تجدد نبود. نگاهی به مرام‌نامه حزب، بیان‌گر آرمان‌ها و اهداف آن است[50]. یکی از محفل‌هایی که شماری از اعضای حزب تجدد در خارج از بدنه دولت و مجلس در آن جمع شدند و برای تحقق اهداف خود کوشیدند، انجمن آثار ملی بود. برخی ایران نو و انجمن آثار ملی را با هم مرتبط دانسته‌اند و معتقدند که آرمان‌های ایران نو با وجود عمر کوتاه‌شان دوباره در فعالیت‌های انجمن نمایان شدند[1]. تاسیس انجمن محصول دستوری آمرانه از جانب دولت یا قانونی الزام‌آور از جانب مجلس نبود، بلکه حاصل گردهمایی افرادی بود که در این مطالعه به آنها نخبه سیاسی اطلاق شده است. منابع مختلف افراد متفاوتی را به‌عنوان اعضای هیات موسسه انجمن یاد کرده‌اند که در همه آنها از این افراد نام برده شده است: حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک)، حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه)، نصرت‌الدوله فیروز، کیخسرو شاهرخ و عبدالحسین تیمورتاش (سردارمعظم خراسانی) [10، 11، 51]. نکته قابل توجه درباره این افراد حضور پررنگ آنان در قوه مقننه و مجریه در برهه ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ است. شماری از آنان همچون مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، کیخسرو شاهرخ و تیمورتاش نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های چهارم (۱۳۰۰-۱۳۰۲ ش.) و پنجم (۱۳۰۲-۱۳۰۴ ش.) بودند و شماری دیگر همچون فروغی، اسفندیاری و فیروز سابقه وزارت را هم در کارنامه خود داشتند. حتی برخی از آنان مانند مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک مدتی ردای رییس‌وزارتی را هم بر دوش کشیدند[52].

شکل ۳ براساس دست‌خطی که در زیر آن وجود دارد، عکسی متعلق به جلسه کمیته انجمن آثار ملی در فرمانیه در ۱۳۰۵ است[53]. درباره اینکه چه کسی پیشگام تاسیس انجمن بوده است روایت‌های متفاوتی وجود دارد. برخی از روایت‌های رسمی "ریاست افتخاری" و "رهبری" انجمن را به شخص رضاخان نسبت داده‌اند[54]. البته به نظر می‌رسد که اعطای این عنوان به رضاخان (اگر صحت داشته باشد) بیشتر جنبه نمایشی و تبلیغاتی داشته است. در روایت‌های متعدد دیگر نشانه‌هایی از نقش نخبگان سیاسی به‌وضوح قابل مشاهده است. برخی تاسیس انجمن را به کیخسرو شاهرخ[55] و برخی به

مجلس و خزانه‌دار انجمن) در همان سال راهی طوس شد تا مدفن فردوسی را پیدا و مقدمات ساخت آرامگاه را فراهم کند^[61]. در سندی مربوط به ۱۳۰۸ هم تلاش یکی دیگر از نخبگان سیاسی یعنی عبدالحسین تیمورتاش روشن می‌شود. براساس این سند که در آستان قدس رضوی موجود است، تیمورتاش نقشه آندره‌گدار، معمار فرانسوی را برای سلمان‌خان اسدی، پسر محمدولی‌خان اسدی نایب‌التولیه آستان قدس و نماینده مجلس فرستاده و از وی خواسته است که این طرح را به سامان برساند^[63]، اما اجرای طرح گدار در مراحل پایانی کار متوقف و طرح کریم طاهرزاده بهزاد جایگزین آن شد^[64].



شکل ۵) وضعیت نامساعد قبر فردوسی در طوس در سال ۱۳۰۴^[62]

شکل ۶ آرامگاه فردوسی طرح آندره‌گدار را نشان می‌دهد^[64]. در نهایت دغدغه نکوداشت ناموران فرهنگی به برگزاری کنگره هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ و گشایش آرامگاه وی در طوس در همان سال منتهی شد. در سال ۱۳۱۲ از طرف انجمن و وزارت معارف از شرق‌شناسان و دانشمندان ایران‌شناس کشورهای مختلف دعوت شد تا برای شرکت در کنگره فردوسی به ایران بیایند. این کنگره از ۱۲ تا ۱۶ مهرماه ۱۳۱۳ در تهران برگزار شد^[10]. متعاقب برگزاری کنگره در تهران، از آرامگاه فردوسی در طوس رونمایی شد. رضاشاه شخصاً بنا را افتتاح کرد و این رویداد در کنار چاپ نسخه‌ای تازه از شاهنامه با حمایت دولت، پوشش گسترده‌ای در مطبوعات دولتی به دست آورد (شکل ۷) ^[65].

نخبگان سیاسی و دغدغه گرمی‌داشت آثار و ناموران فرهنگی

نخبگان سیاسی که برخی از آنان عضو انجمن آثار ملی هم بودند، چه پیش از برآمدن انجمن و چه همزمان با آن، دغدغه حفظ آثار تاریخی و گرمی‌داشت ناموران فرهنگی را داشتند. دغدغه‌ای که در گفته‌ها و نوشته‌های آنان در آن برهه بازتاب می‌یافت. علی‌صغر حکمت و محمدعلی فروغی از جمله کسانی بودند که درباره اهمیت آثار تاریخی و ضرورت حفظ آنها سخن می‌گفتند. علی‌صغر حکمت که در ۱۳۰۴ ش. نماینده مجلس شورای ملی بود و چند سال بعد به وزارت معارف رسید، در یادداشتی بر اهمیت بناها و آثار تاریخی تاکید کرد. وی آثار تاریخی را نماینده "آثار صنعتی و ذوق قریحه ملی" و شاهی بر "صدق و برهان مسلم تاریخ تمدن هر قوم و ملت" دانست. حکمت همچنین این آثار را "بهترین وسیله موجود و اخبار ناطق" برای نگارش تاریخ قدیم خواند. افزون بر این او به بیان صرف اهمیت بناهای تاریخی بسنده نکرد و اذعان داشت که لازم است افراد آگاه به موضوع، بیشتر در این زمینه گام بردارند و گرنه امیدی به جلوگیری از ویرانی آنها نیست. بدین‌سان او خواهان تشکیل "جمعیت‌ها و انجمن‌های متعدد" شد^[59]. همچنین فروغی (نخستین رییس‌الوزرای دولت پهلوی) در یکی از سخنرانی‌های خود در سال ۱۳۰۶، احترام به آثار گذشتگان را یکی از رهگذرهای سربلندی برشمرد و حفظ این آثار را "اسباب آبرو" و "معرف عظمت و لیاقت ملت" خواند. او درباره وضعیت نابه‌سامان بناهای تاریخی هم سخن راند و اوضاع تخت جمشید را به دلیل از میان رفتن بسیاری از نقوش آن "اسفناک" توصیف کرد. وی همچنین از بی‌اعتنایی مردم در این زمینه انتقاد کرد^[34].

کیخسرو شاهرخ، حسن تقی‌زاده و محمدعلی فروغی هم دغدغه بزرگداشت ناموران فرهنگی را داشتند. تقی‌زاده که برخی او را عضو انجمن دانسته‌اند، در سال ۱۳۰۴ در نوشتاری با همین مضمون که در مجله آینده درج شده است، نکوداشت ناموران فرهنگی در غرب را الگوی مناسبی برای ایرانیان دانست که باید مطابق آن از بزرگان خود تجلیل کنند^[60]. فروغی در همان سال وضعیت قبر فردوسی را "متروک و مطرود" توصیف کرد و این موضوع را مایه تاسف و حتی ننگ دانست. وی فردوسی را شایسته آن دانست که بنایی عالی برای او ساخته شود^[57]. شاهرخ زمانی که از ساخت آرامگاه فردوسی در جلسه‌ای از جلسه‌های دوره هفتم مجلس شورای ملی دفاع می‌کرد، فردوسی را احیاکننده تاریخ ایران و تاریخ ملیت ایران نامید^[61]. شکل ۵ وضعیت نامساعد قبر فردوسی در طوس در سال ۱۳۰۴ را نشان می‌دهد^[62].

دغدغه گرمی‌داشت ناموران فرهنگی به انجمن منتقل شد و از همان ابتدای تاسیس، اعضا به دنبال برپایی آرامگاهی برای نامورانی مانند فردوسی و سعدی بودند^[11]. اگر بنا باشد یکی از جنبه‌های برجسته تلاش نخبگان سیاسی مبتنی بر دغدغه بزرگداشت ناموران فرهنگی در دوره پهلوی اول را بیان کرد، بی‌شک تلاش آنها برای بزرگداشت فردوسی است. در سال ۱۳۰۵ بود که اندیشه انجمن برای بازسازی و زیباسازی مکان آرامگاه فردوسی طرح شد. کیخسرو شاهرخ (نماینده

نقش شرق‌شناسان در تثبیت انجمن آثار ملی

ایران‌شناسان اروپایی و کسانی مانند آرتور پوپ و ارنست هرتسفلد در توجه به آثار باستانی و تاریخی ایران نقشی محوری داشتند و اصلی‌ترین جلوه‌گاه این توجه که تحت تاثیر آنها رخ نمود، تاسیس انجمن آثار ملی بود [67]. شرق‌شناسان از گروه‌های اثرگذار در پیشبرد گفتمانی انجمن بودند. این گروه گرچه در تاسیس انجمن نقشی مستقیم نداشتند، اما ارایه رشته‌ای از سخنرانی‌ها از سوی آنها در تثبیت جایگاه انجمن و استمرار فعالیت آن بی‌تاثیر نبود. طبق ماده ۷ اساس‌نامه، انجمن می‌توانست از دانشمندان خارجی که به تعبیر آنها "دوست علم و صنعت ایران" بودند، عضو بپذیرد [24]. برخی هرتسفلد را یکی از نخستین اعضای انجمن خوانده‌اند [68]. همچنین شاهرخ در خاطرات خود از ارنست هرتسفلد و آندره گدار به‌عنوان اعضای غیر ایرانی انجمن نام برده است [61].

شرق‌شناسان و دغدغه حفظ آثار تاریخی

فارغ از اینکه انجمن خود مستقیماً از شرق‌شناسان برای آمدن به ایران دعوت کرده یا خیر، آنچه روشن است استفاده انجمن از این افراد است که از آن جمله می‌توان به سخنرانی‌های این افراد به دعوت انجمن یا برای اعضای انجمن اشاره کرد. انجمن با برگزاری چند سخنرانی درباره اهمیت بناهای تاریخی ایران که در وضعیت نامطلوبی قرار داشتند، سعی در تقویت غرور و حساسیت ملی داشت [9] و متن این سخنرانی‌ها را به همراه آثار و گزارش‌های جدید ایران‌شناسان، ترجمه و چاپ می‌کرد و بدین‌سان در راه معرفی آثار باارزش تاریخی ایران می‌کوشید.

از جمله سخنرانی‌های انجام‌شده می‌توان به سخنرانی آرتور پوپ در اردیبهشت سال ۱۳۰۴ در تالار خانه وزیر پست و تلگراف وقت و در حضور رضاخان، هیات دولت و جمعی از نمایندگان مجلس شورای ملی اشاره کرد [68]. هرتسفلد هم در مرداد همان سال در عمارت وزارت فرهنگ (مسعودیه) درباره آثار ملی ایران سخنرانی جامعی ارایه داد [69]. پوپ در سخنرانی خود به اهمیت آثار تاریخی اشاره داشت. وی ملت‌هایی را که آوازه و نام نیک آنها بیش از دیگران است، آنهایی دانست که به هنر به اندازه جنگ و تجارت اهمیت داده‌اند و معتقد بود آنهایی که با جدیت ثروت خود را صرف ایجاد اثرهای زیبا کرده‌اند، نامشان در جهان فناپذیر شده است [68]. هرتسفلد هم احترام به آثار تاریخی را ضروری می‌دانست، زیرا به گمان او آثار و بناهای تاریخی، منشا "افکار و احساسات ملل و اقوام" را به دست می‌داد و از این می‌شد فهمید که در چه "عواالم و خیالات" بوده‌اند. وی بیدارکردن حس علاقمندی به بناهای تاریخی سه‌هزارساله ایران را از وظیفه‌های انجمن به حساب آورد [69]. همچنین یکی از موضوعات مطرح‌شده در سخنرانی هرتسفلد انتقاد از وضعیت نامساعد بناهای تاریخی بود. وی از وضعیت نامساعد بناهایی مانند قصر اردشیر بابکان در فیروزآباد ابراز تاسف کرد و وضعیت مقبره فردوسی را مایه تالم خواند. او معتقد بود که فردوسی باید مقبره‌ای داشته باشد که شایسته نام جاودانی او باشد [69].



شکل ۶) آرامگاه فردوسی طرح آندره گدار [64]



(الف)



(ب)



(ج)

شکل ۷) الف) برگه صادرشده از طرف انجمن آثار ملی برای جمع‌آوری بودجه برای تکمیل ساخت و ساز آرامگاه فردوسی؛ ب) مقبره فردوسی زمانی که به‌تازگی ساخته شده است؛ ج) فضای داخلی مقبره فردوسی که نشان‌دهنده قسمت فوقانی قبر است [66].

ضرورت حفظ آن به‌صورت پیوسته تأکید می‌کردند که حاصل آن در تداوم و استمرار فعالیت‌های انجمن خود را نشان داد.

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تأییدیه اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: محمدحسن خادم‌زاده (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی (۳۰٪)؛ توران طولابی (نویسنده دوم)، پژوهشگر اصلی (۳۰٪)؛ معین کارگری (نویسنده سوم)، پژوهشگر اصلی (۴۰٪)

منابع مالی: این مطالعه از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد معین کارگری (نویسنده سوم) با عنوان "زمینه‌ها و ضرورت‌های شکل‌گیری انجمن آثار ملی؛ بررسی رویکردها و اقدامات (۱۳۵۷-۱۳۰۱ ش)" استخراج شده است که به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده دوم در دانشکده معماری دانشگاه تهران انجام و در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ در دانشکده معماری دانشگاه تهران دفاع شده است.

منابع

- 1- Grigor T. Recultivating "good taste": The early Pahlavi modernists and their society for national heritage. *Iran Stud.* 2004;37(1):17-45.
- 2- Hafeznia MR. An introduction to research in the humanities. Tehran: SAMT; 2018. [Persian]
- 3- Lundy SL. Historical research. In: Given L. The SAGE encyclopedia of qualitative research methods. Given L, editor. Thousand Oaks: SAGE; 2008.
- 4- Hancock DR, Algozzine R. Doing case study research: A practical guide for beginner researchers. New York City: Teachers College, Columbia University; 2006.
- 5- Abrahamian Y. A history of modern Iran. Tehran: Ney; 2018. [Persian]
- 6- Ashraf A. The emergence of state nationalism in the Pahlavi era. In: Ashraf A, Newoil G, Shahbazi Sh. Iranian identity from antiquity to the end of Pahlavi. 5th Edition. Tehran: Ney; 2017. [Persian]
- 7- Akbari MA. Nation-building project in the first Pahlavi era: The role of the educational textbooks of history. *Iran Hist.* 2012;12(70.5):33-60. [Persian]
- 8- Esmaeilzadeh K, Shad Ghazvini P. Discourses of "nationality" and their role on the development of Iranian modern art trends in Pahlavi era. *Sociol J Art Lit.* 2017;9(1):109-32. [Persian]
- 9- Tavakoli-Targhi M. Narrative identity in the works of Hedayat and his contemporaries. In: Katouzian H, editor. Sadegh Hedayat: His work and his wondrous world. Abingdon: Routledge; 2007.
- 10- Bahr Al-Oloumi H. The record of the National Works Association from the beginning to 2535 AD, 1355-1301 AH. Tehran: National Monuments Society Publication; 1976. [Persian]
- 11- Afsar K, Mousavi A. Patrolling the ancient monuments in the Pahlavi era. Tehran: Culture and Art Ministry; 1976. [Persian]
- 12- Kiani M. First Pahlavi era architecture. 3rd Edition. Tehran: The Institute for Iranian Contemporary Historical Studies; 2016. [Persian]
- 13- Agheli B. History of contemporary Iranian political and military men. Tehran: Elm Publication; 2001. [Persian]

هرتسفلد در سال ۱۳۰۵ از کشف دو لوح تاریخی از جنس طلا و نقره در همدان خبر داد. به گفته او صاحب آن دو لوح، لوح نقره‌ای را به دولت داده بود و دولت برای آنکه می‌خواست "این قبیل اسناد گرانبه‌ای عظمت ایران در خود مملکت باقی بماند" لوح طلا را خریده بود [70]. خرید لوح طلا از صاحب آن، چه به درخواست دولت و چه به درخواست هرتسفلد صورت گرفته باشد، حاکی از اهمیت‌یافتن آثار تاریخی در آن زمانه است.

نتیجه‌گیری

بررسی زمینه‌های برآمدن انجمن آثار ملی و مشخصاً واکاوی سهم اندیشه‌وران و نخبگان سیاسی در تکوین نهادی نو برای حفظ آثار ملی موضوع مطالعه حاضر بود. بر این اساس، کوشش شد تا با تکیه بر طیفی از منابع دست یکم (شامل اسناد و مدارک آرشیوی، اسناد منتشرنشده، روزنامه‌ها و یا خاطرات) نقش سه طیف اندیشه‌وران تجددگرا، نخبگان سیاسی و شرق‌شناسان در تاسیس انجمن و تثبیت جایگاه آن بررسی شود. واکاوی محتوای منابع یادشده بیانگر این موضوع است که اندیشه‌وران با آرایه دیدگاه‌های خود در مجله‌هایی مانند کاوه، ایرانشهر و نامه فرنگستان کوشیدند موضوعاتی چون بایستگی تربیت اجتماعی، اهمیت حفظ آثار تاریخی و ضرورت بزرگداشت ناموران فرهنگی را طرح و زمینه گفتمانی تاسیس چنین نهادی را فراهم کنند. با روی کارآمدن دولت پهلوی، نخبگان سیاسی هم که پیوستگی‌هایی با ساختار قدرت از جمله مجلس شورای ملی و یا هیات دولت داشتند کوشیدند در پیگیری این خواسته جدید به خرج دهند. درواقع نخبگان سیاسی با تکیه بر نفوذ خود در هرم سیاسی قدرت و نیز حضور در مناصب مختلف، آنقدر جایگاه برای خود دست و پا کرده بودند که بتوانند بخشی از بازوی اجرایی دولت پهلوی برای تحقق آرمان‌هایی باشند که از اساس این دولت بر مبنای آن شکل گرفته بود. به سخن دیگر، خواسته‌ای که بعدها نخبگان سیاسی آن را در قالب انجمن محقق کردند، ریشه در آرمانی داشت که پیش از برآمدن دولت پهلوی، در میان نخبگان سیاسی و مشخصاً احزابی چون حزب تجدد، وجود داشت و همین موضوع تلاش آنان را برای تاسیس انجمن توجیه می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که نخبگان سیاسی تحقق آرمان اندیشه‌وران و نیز نگرش‌های خود در این زمینه را در خارج از ساختار سیاسی هم پی گرفتند که برآیند آن شروع به کار انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۴ بود. افزون بر این، واکاوی محتوای اسناد و دیگر منابع مرتبط با موضوع، جنبه دیگری از موضوع را آشکار می‌کند و آن نقش شرق‌شناسان در این زمینه است. به نظر می‌رسد شرق‌شناسانی که عمده‌تاً برای سخنرانی به انجمن دعوت می‌شدند، نقشی مشخص در استمرار و تثبیت فعالیت‌های انجمن ایفا کردند. سخنرانی‌های سرشناسانی چون پوپ و هرتسفلد در زمینه تاریخ ایران امری است که نمی‌توان از نقش آن در تکوین انجمن چشم‌پوشی کرد. آنان در این سخنرانی‌ها بر چشم‌گیربودن مظاهر معماری تاریخ ایران و نیز

- 38- Afshar M. Isfahan travel. IRANSHAHR. 1923;2(3):143-6. [Persian]
- 39- Taherzadeh-Behzad K. Architectural and industrial industries. IRANSHAHR. 1923;2(1):52-60. [Persian]
- 40- Eghbal-Ashtiani A. Soltanieh and its dome. IRANSHAHR. 1924;2(7):393-409. [Persian]
- 41- Kazemzadeh H. Nationality and national spirit of Iran. IRANSHAHR. 1923;2(4):193-206. [Persian]
- 42- Herzfeld E. A brief list of Iranian monuments and buildings. Tehran: National Monuments Society Publication; 1925. [Persian]
- 43- Nafisi S. Contemporary history of Iran. Tehran: Foroughi Library; 1966. [Persian]
- 44- Ferdowsi Crypt. ARMAGHAN. 1925;6(3-4):232-5. [Persian]
- 45- vocabulary.com [Internet]. Unknown Publisher city: vocabulary.com; 2020 [cited 2020 April 9]. Available from: <https://www.vocabulary.com/dictionary/scholar>.
- 46- Best H, Higley J. Introduction. In: Best H, Higley J, editors. The palgrave handbook of political elite. London: Palgrave Macmillan; 2017.
- 47- Cronin S. Introduction. In: Cronin S, editor. The making of modern Iran. Abingdon: Routledge; 2003.
- 48- Boroujerdi M. Triumphs and travails of authoritarian modernization in Iran. In: Cronin S, editor. The making of modern Iran: State and society under Riza Shah, 1921-1941. Abingdon: Routledge; 2003.
- 49- Devos B, Werner C. Introduction. In: Devos B, Werner C, editors. Culture and cultural politics under Reza Shah. Abingdon: Routledge; 2014.
- 50- Abrahamian E. Iran between two revolutions. Golmohammadi A, Fatahi M, translators. 28th Edition. Tehran: Ney Publication; 2018. [Persian]
- 51- Sedigh I. A memoir of life. 2nd Edition. Tehran: Amir Kabir Publication; 1966. [Persian]
- 52- Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of IRAN. Getting acquainted with the history of the legislative assemblies in Iran: 1st to 16th (1285-1328). Tehran: Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of IRAN; 2005. [Persian]
- 53- jadidonline.com [Internet]. Tehran: jadidonline.com; 2020 [cited 2020 April 9]. Available from: <http://www.jadidonline.com/slideshow/2216/1>. [Persian]
- 54- Modaresi Chahardehi M. Cultural revival during the Pahlavi flourishing period. Natl Relics Soc J. 1976;1:26-35. [Persian]
- 55- Farahani H. Annals of contemporary Iranian history. 1st Volume. Tehran: Political Studies and Research Institute; 2006. [Persian]
- 56- National Relics Society. Holding a meeting of the National Relics Society. Tehran: National Relics Society; 1925. [Persian]
- 57- Foroughi M. A request for construction of Ferdowsi Tomb. ARMAGHAN. 1925;6(3-4):232-5. [Persian]
- 58- Foroughi M. Mirza Mohammad Ali Khan Foroughi conference: Prime minister and president of national monuments society. Tehran: National Monuments Society Publication; 1934. [Persian]
- 59- Hekmat A. National monuments society. TALIM-VATARIAT. 1925;1(8-9):6-10. [Persian]
- 60- Taghizadeh H. A few words about Ferdowsi. AYANDEH. 1925;1(2):141-4. [Persian]
- 61- Shahrokh K, Rashna R. Memoirs of lord Khosrow Shahrokh. Mirza Saleh G, translator. 1st Edition. Tehran: Maziar Publication; 2004. [Persian]
- 14- dictionary.cambridge.org [Internet]. Cambridge: Cambridge University Press; 2020 [cited 2020 April 8]. Available from: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/society>.
- 15- Adamiat F. The ideology of the Iranian constitutional movement. 2th Edition. Tehran: Enlightenment and Women's Studies; 2008. [Persian]
- 16- Kermani N. History of Iranian awakening. Tehran: Iranian Culture Foundation; 1978. [Persian]
- 17- Dolat-Abadi Y. Yahya's life. Tehran: Ferdowsi; 1983. [Persian]
- 18- Gholipour A. The cultivation of popular taste in the Pahlavi era. Yaghobi G, editor. Tehran: Nazar; 2019. [Persian]
- 19- Siasi, A. A political life. 3rd Edition. Tehran: Sales; 2019. [Persian]
- 20- Sedigh I. Senator Isa Sediq speech. In: National Relics Society. Memoirs of Faraj-ullah Aq-owla. Tehran: National Relics Society Publication; 1977. [Persian]
- 21- Sadiq I. ANJOMAN-E ĀTĀR-E MELLĪ [Internet]. Washington, D.C.: Encyclopædia Iranica Foundation; 1985 [cited 2020 April 8]. Available from: <https://bit.ly/2Vs7M80>.
- 22- National Society. Introduction. In: National Relics Society. Old publications collection. Tehran: National Relics Society Publication; 1972. [Persian]
- 23- National Relics Society. Invitation to participate in the meeting of the National Works Association. Tehran: National Relics Society; 1925. [Persian]
- 24- National Relics Society. Statutes and regulations of the National Relics Society. Tehran: National Relics Society; 1925. [Persian]
- 25- Toolabi T. Mohammad Amin Riahi's approach to the Persian language and culture of Iran. J Cult Hist Stud. 2016;7(28):77-100. [Persian]
- 26- Savoji M. Civil policy. In: Zargari Nejad G, editor. Political treatises of the Qajar era. Tehran: I.R. Iran National Library; 2000. [Persian]
- 27- Akhondzadeh F. Kamal al-Dawlah's writings and their accessions. Haghdar A, editor. Tehran: Literature Club; 2016. [Persian]
- 28- Asil H. Mirza Malkam Khan Nazim al-Dawlah's treatises. 1st Edition. Tehran: Ney Publication; 2002. [Persian]
- 29- Basic and urgent reforms. KAVEH. 1921;2(12):1-6. [Persian]
- 30- Characteristics of Iranians. IRANSHAHR. 1922;1(4):58-60. [Persian]
- 31- Kasra spring carpet. IRANSHAHR. 1922;1(9):234-7. [Persian]
- 32- Tips and considerations. KAVEH. 1921;2(9):1-7. [Persian]
- 33- Moshfegh Kazemi M. Social evolution. NAMEYEH-FARANGESTAN. 1924;1(1):3-12. [Persian]
- 34- Revolution and social education. IRANSHAHR. 1923;1(11):282-96. [Persian]
- 35- Foroughi M. Observations and thoughts on national monuments during Isfahan and Fars travel. In: National Relics Society. Three sermons. Tehran: National Relics Society Publication; 1927. [Persian]
- 36- Malekzadeh M. The life of Malek-al-Motekallemin. Tehran: Elmi; 1946. [Persian]
- 37- Pourrajabi A. The origins and context of modern interpretations of Iranian architecture [Dissertation]. Tehran: Tehran University; 2018. [Persian]

- 67- Tarafdari A. In search of service and betrayal in history: Investigating the impact of nationalism on Iranian historiography from the Qajar period to the end of the first Pahlavi government. In: Tarafdari AM, editor. Nationalism, historiography and the formation of a new national identity in Iran. Tehran: Amir Kabir; 2018. [Persian]
- 68- Pope A. Iranian industries in past and future. Tehran: National Monuments Society Publication; 1972. [Persian]
- 69- Herzfeld E. Iran national monuments. Daftari M, translator. 1st Edition. Tehran: National Monuments Society Publication; 1925. [Persian]
- 70- Herzfeld E. Discovering two historical tablets in Hamedan. Minavi M, translator. Tehran: National Relics Society Publication; 1926. [Persian]

- 62- The Ernst Herzfeld papers. Freer gallery of art and arthur M. Sackler gallery archives. Washington, D.C.: Smithsonian Institution Offices; 2020.
- 63- Mohamadzadeh F, Khandan F. About the construction of the Ferdowsi Tomb building. PAJ. 2016;5(23-24):59-66. [Persian]
- 64- Shafei B, Daniel V, Soroushiani S. Karim Taherzadeh Behzad Architecture. Yalda T, Ghiasi N, translators. Tehran: Did; 2005. [Persian]
- 65- Zia-Ebrahimi R. The emergence of Iranian nationalism: Race and the politics of dislocation. Afshar H, translator. Tehran: Nashr-e-Markaz; 2017. [Persian]
- 66- Iranicaonline. FERDOWSI, ABU'L-QĀSEM iii. MAUSOLEUM [Internet]. Washington: Encyclopædia Iranica Foundation; 1999 [cited 2020 Apr 9]. Available from: <http://www.iranicaonline.org/articles/ferdowsi-iii>.

